



فالوده طهرانی

شاید فالوده تا همین لحظه و تا قبل از خواندن این متن برای شما یک ترکیب شیرین از یک دسر کاملاً ایرانی و متعلق به شهر شیراز باشد که از نشاسته، شکر و گلاب ساخته شده است. اما امروز و در این نمره از ابتکارنامه قرار است دود و دم شیرینی اش را بشورد و ببرد و آن را انحصاراً به شهر تهران واگذار کند.

بر خلاف تفکر عمومی در مورد پاییز تهران که همه گمان میکنند قرار است تعداد بی نهایتی عاشق و معشوق در شهر دست در دست یکدیگر تردد کرده و موجب اغفال اذهان عمومی شوند، باید بگوییم که شاخص ناسالم هوای تهران به احادی اجازه این لیلی و مجنون بازی هارا نمی‌دهد.

در این هوای آلوده تهران که اخیراً رتبه سوم جهان را هم کسب کرده است شما حتی اجازه بردن کودک درون تان را به بیرون از منزل ندارید چه برسد به کارهای دیگر!

فالوده اسم کاملاً مناسبی است برای پاییز تهران که سالیان سال است از آلودگی دست برنمی‌دارد و هوايش تشکیل شده است از مونوکسید کربن، اکسیدهای نیتروژن، ازن، اکسیدهای گوگرد و بی نهایت ذرات معلق که زحمت ورودشان به هوا را منابع متحرک مثل سوخت و منابع ثابت مثل کارخانجات میکشند.

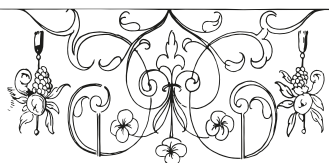


شالوده شهر آلوده است

پاییز اگرچه باید یک فصل عاشقانه باشد اما حضور آلودگی اعصابی برای هیچ احادی نگذاشته است. به زیبایی و ظرافت پتویی از جنس آلودگی روی شهر کشیده می‌شود و اجازه نفس کشیدن نمی‌دهد.

تاثیر آلودگی نه تنها بر سلامت جان که بر سلامت روان هم قابل مشاهده است. درست وقتی که باید از هوای پاییزی و خش خش برگ‌ها لذت ببریم محکومیم به ماندن در یک فضای بسته. تنفس هم در حالی که همیشه یک امر روزمره طبیعی است در پاییز تبدیل به آرزو می‌شود. بی دلیل به جان هم می‌افتیم و خودمان هم نمی‌دانیم که منشأ این بی اعصابی و جنگیدن‌ها از کجاست.

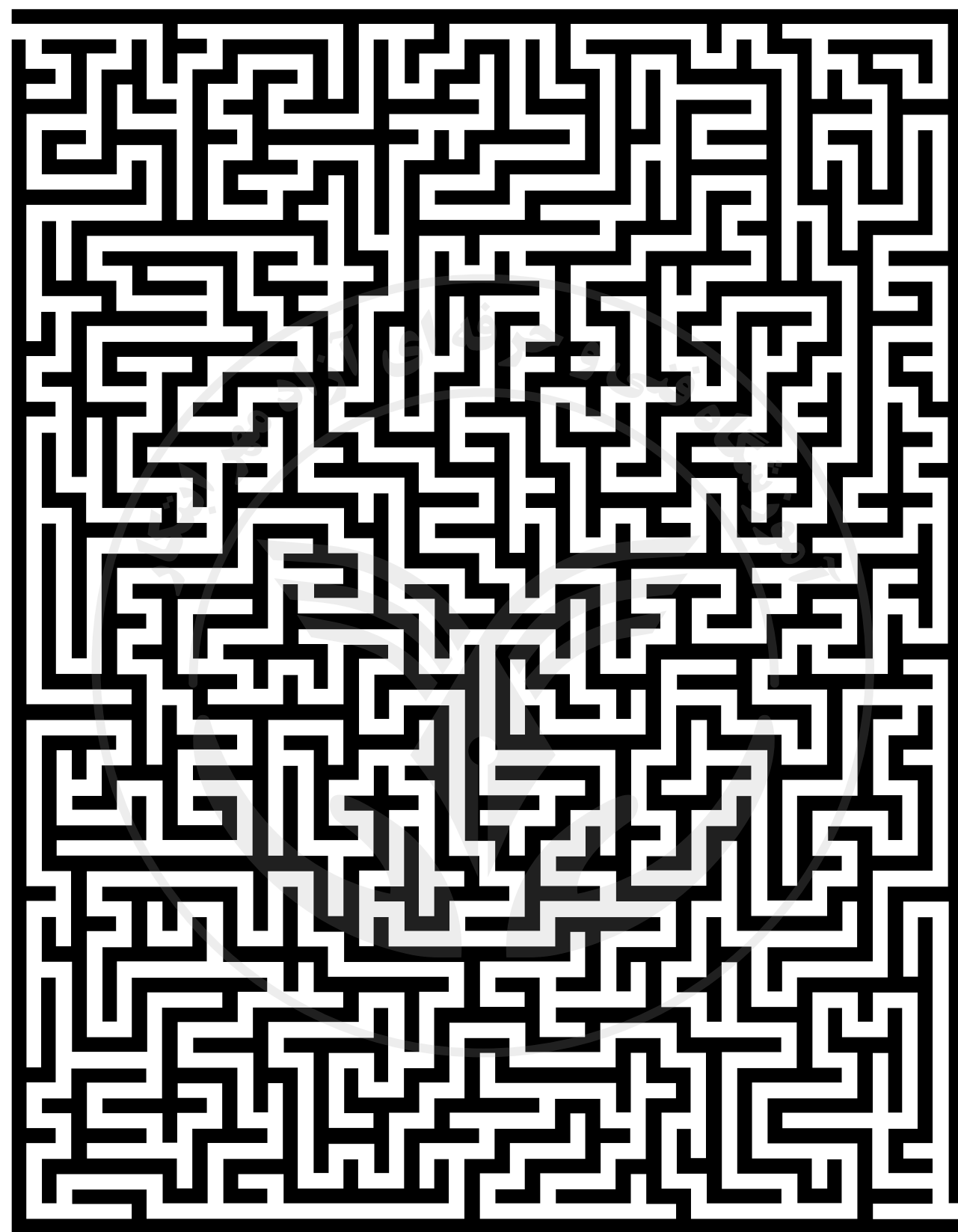
از طرفی آنچه هر روز به عنوان دم به خورد ریه‌هایمان می‌دهیم هم دیگر اکسیژن نیست. کارکرد ریه‌ها کاملاً در حال تغییر است. بیهوده و به خیال رساندن اکسیژن هوا را به داخل نای و نایژه‌ها هدایت می‌کنند اما زهی خیال باطل. روزگار ریه‌ها را این مازوت‌های غیرقانونی سیاه کرده‌اند. همین‌طور روزگار ما آدم‌ها را.



نمره‌ی هفتم
آبان ۱۴۰۳ ه.ش



OUT



عامل اصلی آلودگی هوا مازوت!!!!

آلودگی هوا

این است کل محتویات پیام ما: گوگرد، جیوه، سرب، دی‌اکسید نیتروژن هستند قوت غالب هر صبح و شام ما ما در پیاله! دود تو را سرکشیده‌ایم ای بی‌خبر ز لذت سرب مدام ما تا ما در این شرایط آلوده زنده‌ایم کربن به شش فرو شد و دنیا به کام ما هرگز نمیرد آن‌که شده پوستش کلفت «ثبت است بر جریدهٔ عالم دوام ما»

روح‌الله احمدی

این‌جا هوازیان همگی دودزی شدند فرقی نمانده بین خواص و عوام ما وقتی که ما هوای کسی را نداشتیم باید شود هوای خدا هم حرام ما آلوده است دست خلایق به خون هم گیر است در محاکمه پای تمام ما شاید فریب و حیله و نیرنگ دشمن است دارد هوای توطئهٔ انهدام ما ای تو! تویی که باعث آلودگی شدی بر خاندان پاک تو بادا سلام ما تو در تعجبی که چطوری نمرده‌ایم!

در این جهان بگو که چه بود اتهام ما آلوده کرده است هوا را کدام ما؟ تقصیر چیست؟ خودروی تک‌سرنشین؟ موتور؟ بنزین بی‌ملاحظه؟ پست و مقام ما؟ تقصیر کیست؟ ما و شما؟ حشمت زب روبه‌رو؟ آلوده شد دوباره هوای نظام ما انگار کار اصغر فرهادی است این پایان باز وضع کمیک و درام ما از بس هوای ما دغل است و سیاه‌کار کمتر شبیه زاغ شده روی بام ما!



اقتدار آسیب دیده آلودگی

دماوند و فیروزکوه : دو شهر مغموم دورافتاده که با وجود هوای آلوده صورتشان را با سیلی سرخ کرده و ادای شهرهای تمیز را در می‌آورند و با این سیاست که هیچ چیز نباید مانع درس خواندن و پیشرفت دانش آموزان و دانشجویان شود هیچ گاه دانشگاه و مدارس شان را تعطیل نمی‌کنند و شعار جالب توجه شهرشان هم این است که : می‌میریم می‌میریم تعطیلی نمی‌پذیریم.

دانشجویان : قشر آبشش دار شهر تهران که آلودگی کوچکترین تاثیری در سلامتی شان ندارد و با مقاومتی مثال زدنی و عزمی راسخ در تمام طول ترم و با وجود آلودگی به درس خواندن ادامه می‌دهند و مسئولان نیز با دیدن این روحیه شان آنها را در هوای ناسالم هم از پیشرفت و ترقی باز نمی‌دارند.



نفس پایانی

به نظر می‌رسد قصه پر غصه آلودگی در حد انفجار تهران و برخی راهکارهای اعلام شده از سوی مسئولان برای کاهش آلودگی این ابرشهر نیز مانند مثال (درمان تومور مغزی با گچ گرفتن قوزک پا) باشد که مسئولان برای جلوگیری از این اتفاق فقط مدارس و ادارات دولتی را تعطیل می‌کنند و در این تاریکی و مه آلودگی شهر، فقط دانشجویان دارای آبشش از این تعطیلی بی‌بهره بوده و باید با این تفکر که بقیه شش دارند اما آنان آبشش، این روزهای پر تکرار دوده ای را به سر کنند.